



# لذت و تکرار

## مد و زندگی روزمره از دیدگاه جورج زیمل

روزنامه‌نگار و منتقد اجتماعی

امپریسیون‌پسِم<sup>۱</sup> را برای جامعه‌شناسی زیمل به کار می‌برد. لوکاچ و مانهایم نیز معتقد بودند زیمل به‌عنوان امپرسیونیست جامعه‌شناختی، بهترین توصیف را از رویدادهای روزمره ارائه داده است.<sup>۲</sup> فریزبی معتقد است که زیمل زندگی روزمره را به مثابه امری زیبایی‌شناختی و هنری مورد مطالعه قرار داده و این نشانگر تمایز او با جامعه‌شناسانی چون دور کیم است. زیمل می‌نویسد: جز نظر ما چوهر تفسیر و مشاهده زیبایی‌شناختی در این واقعیت نهفته است که امر نوعی (typical) در امر یگانه (unique) یافت می‌شود. امر قاعده‌مند در امر تصادفی و چوهر و معنای چیزها در امر سطحی و موقت به‌دست می‌آید. چشم پرورش یافته می‌تواند در دل هر ذره، تمام معنا و کل زیبایی جهان را درک کند. به همین جهت، نویسنده در این مقاله سعی کرده است تا با تکیه بر آرای زیمل در باره مد، به بررسی این پدیده در جامعه امروزی ایران بپردازد.<sup>۳</sup>

مد و مدسازي پدیده‌ای است که در دنیای امروز به نحو چشمگیری گسترش یافته است. این فراگرد اجتماعی به شکلی بی‌سابقه در لایه‌های اجتماعی جوامع نوین ریشه دوانیده است. به طوری که بسیاری آن را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و یا حتی برخی پد کارگرهای مثبت آن برای زندگی اجتماعی تأکید ورزیده‌اند. در این راستا، تئوری‌های متعددی تدوین شده است که برای تقویت بینش و نگرش نظام‌مند جهت فهم مد و مدگرایی روشنگر خواهند بود. در قرن بیستم با توجه به همه آنچه در مورد مد نوشته شده بود، هنوز نظریه‌های عمومی و سیستماتیک در این زمینه اندک بود. در این حال، مقاله زیمل در باره مد، یکی از بهترین‌ها در این حوزه محسوب می‌شود که هنوز هم از مقالات مطرح در این زمینه به حساب می‌آید. همه تعبیر آدورنو، زیمل بود که فلسفه رایج صفت سوزهای عینی مسوق داد. زیمل معتقد بود فلسفه باید به رویدادهای روزمره و خورد توجه کند. فیزبی به تبعیت از لوکاچ، استعمار

به خصوص در فشار فرانس، ست جلمسه، برای هر آنچه‌ی تقریباً مسوی بوده حال آنکه مجدداً این فرست‌ها طی قرن‌ها از آنان دریغ شدند و زنان طی این تکامل فردگراییه جایگاهی نیافتند و آزادی تحرک و شکوفایی فردی از ایشان سلب شد. آنتن از طریق اثراتی تریب و نامتعارف‌ترین مدحای لباس چیران مفاصل کرده‌اند.<sup>۴</sup> به نظر زیمل، زنان توسط مد می‌توانند هم فردیت خود را به ایبات برسانند و هم به وحدتی بیکپارچه دست یابند. آنان از طریق بهرصدی از مد می‌توانند برای خود و دیگران جنبه‌ی باشنده از طرف دیگر، زیمل معتقد است زنان ذاتاً انسان‌هایی وقار و ایبات هستند، در صورتی که مردان در زندگی شخصی و فردی خود بسیار تنوع‌طلبند. به همین خاطر، زنان تنوع‌طلبی را در وجود مد جست‌جو می‌کنند.

مد و تکرار در جریان تغییرات مد، ما شاهد یک دور تکرار وار هستیم و می‌بینیم که معمولاً هر چند سال یک بار مدی تکرار می‌شود و به محض اینکه مد قدیمی قاعدی فراموش شود، دوباره این لنگان وجود دارد که تکرار شده و رواج پیدا کند و همین که تکرار مدحای در حال تغییر باعث نشود و به تولید اجتماعی از آن فراموش شود. در اغلب موارد، کالاها و اجناسی که مد می‌شوند، با اصلا فایده‌ای برای ندارند یا از فایده خیلی کمی برخوردارند.

می‌گیرد و هم مورد تأیید است. از یک طرف، خود را با گروهی که به آن وابسته است هم شکل کرده و از طرف دیگر، فردیت خویش را نشان می‌دهد. یکی از پارادوکس‌های عجیب دیگر مد این است که همواره شخصی که به نظر می‌آید گروه را در این امر هدایت می‌کند، در واقع بیشتر از همه اعتماد، مطلوب گروه است و به قول زیمل، این صفت خود یکی از ویژگی‌های مخصوص جامعه دموکراتیک است.

مسئله فریانی مد، هم‌رنگی و تمایز جز نظر زیمل، مد از یک کنش با هیجان خاص فنیسی نسبت به شرایط اجتماعی وجود و هستی انسانی سرچشمه می‌گیرد. از یک طرف هر کدام از ما به تقلید کردن از دیگران تمایل داریم و از طرف دیگر، همچنان به متمایز شدن از دیگران متمایل هستیم بدون شک، بعضی از ما بیشتر به تقلید (و بنابراین، تطابق‌گرایی) مایلیم در حالی که دیگران به تمایز (و بنابراین، نامتعارف بودن و اختلاف داشتن) علاقه دارند اما جریان تغییرات بی‌دریسی مد به هر دو تمایل مناقض نیاز دارد.<sup>۵</sup>

مد پدیده‌ای برای طبقه متوسط جامعه زیمل در این مقاله اشاره می‌کند که طبقات بالای جامعه به جهت اینکه آگاهانه، محافظه‌کار هستند و همچنین طبقات پایین جامعه به خاطر محافظه‌کاری ناآگاهانه‌شان، به جای کمتر تابع تغییرات سریع در چهره بان مد هستند این به آن معناست که طبقه متوسط جامعه نسبت به دیگر طبقات، دیرپوی بیشتری از مد دارند. زیمل معتقد است که فشر کارگر جامعه به محض اینکه سطح زندگی خود را از سطح تأمین ضروریات زندگی بالاتر ببیند، مد مخصوص به خودش را ایجاد می‌کند و این علامت تحرک اجتماعی است.

از یک طرف، تمایلات شخصی و منحصر به فرد ما را به تقلید از دیگران تشویق می‌کند و از طرف دیگر، به اختلاف داشتن و متمایز کردن خودمان از مردمی که بی‌اهمیت یا بخوار شمرده می‌شوند تمایل داریم.<sup>۶</sup> از اینجاست مشخص می‌شود که مد در ذات خود پارادوکس دارد و دقیقاً در همان لحظه‌ای که فراگیر شده بی‌ارزش شده و از بهای می‌رود اما هر بن خصلت ناپایداری آن را بر شتر جنبش می‌کند. شخصی که اصل تبعیت از مد است، هم مورد حسادت قرار

زیمل در این بحث، علاوه بر مدحای کلاسیک به مدحای زمینی و نموی نیز اشاره می‌کند. و به‌اینجا معتقد است که مد از پویاهای مدرنیته است و در واقع، مدرنیته باعث دگرگونی و تغییرات سریع در مد شده است. این مدرنیته است که سرعت و تنوع را در دل خود برای ما به ارمغان آورده است.

زیمل در «کلاسیسزم و حیات ذهنی» معتقد است که کلاسیسزم، عرصه فشرده شدن مدرنیته است. زیمل به جای توجه به پدیده‌های تولیدی در کلاسیسزم، بیشتر به مصرف‌گرایی و حوزه‌های گردش و مبادله تاکید کرده است. او در کلاسیسزم و حیات ذهنی، نوعی مقاومت در زندگی روزمره علیه نظام مسلط مصرف (سیسزم) می‌بیند. در واقع از نظر زیمل، فرد در جامعه مدرن با انتخاب سبک زندگی، در برابر نظم مسلط حاکم دست به مقاومت می‌زند.

همچنین زیمل در مقاله «ژن و مد» معتقد است که زنان با انتخاب مدهای جدید دست به مقاومت در برابر موقیبت حاشیهای خود می‌زنند. به عبارت دیگر، زیمل معتقد است که زنان با مقاومت در برابر شیوه‌های مرسوم مصرف‌محور دارند هویت جدیدی برای خود بنا می‌کنند که آنها را از موقیبت حاشیهای خارج کرده و در معرض دید قرار دهد. تا اینکه «دیمنوند» (Demimonde) به مراتب همان خط‌نکن مد جدید است. بر شکل زندگی می‌توانیم گونه‌ها را مشاهده کرد. استوار است و وجود حاشیهای مستحیبه‌ای که جامعه بدو می‌بخشد، نگرانی پنهان یا آشکار نسبت به هر امر از پیش قانونی شده و استوار شده در او پدید می‌آورد. نگرانی که خود را به شکل‌های نهن‌ترین شکل در پیشروی به سوی استکمال نویزی از پدیده‌ها به طور نسبی بیان می‌کند.<sup>۱۴</sup>

تحلیل جایگاه مد در ایران

در جامعه ایرانی امروز، پدیده مد پیش از آن فراگیر شده است که صرفاً به قشر خاصی خلاصه شده به طوری که بین کسودگان، زنان و مردان از طبقات مختلف اجتماعی شاهد مدهای گوناگونی هستیم. همچنین مد در ایران فراگیرتر از آن است که به لباس و پوشش و ظاهر افراد بسنده کند بلکه بخش‌های گوناگونی از زندگی فردی و اجتماعی، خود را در مد و حتی کاری را در خود جای داده است.

این مفهوم اخیراً از مدحه نزدیکی بسیاری با مفهوم سبک زندگی (Life Style) دارد. هرچند تعریف واژه Life style، با واژه فراگیری و رهجو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه سبک، مد را تعانی می‌کند. پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است. سبک زندگی معمولاً با طریقه اقتصادی - اجتماعی پیوند دارد و در تصویری که از فرد ساخته می‌شود، بهر تاب، می‌یابد. در ایران امروز نیز پدیده مد، ترافیک بسیاری با سبک زندگی یافته است و فرد از خلال مصرف و خرید دست به انتخاب می‌زند. این انتخاب‌ها در نگاه نخست شاید حتی عقلانی نباشند اما ناظر به یک هدف تعریف می‌شود. هدف مقاومت در برابر فرهنگ عمومی است. به این معنا که اگر شیوه‌های زندگی را ملزوم پوشش در عرصه عمومی محدود شده استفاده از همان شیوه در عرصه خصوصی تشدید می‌یابد و منجر به تشکیل حرم فرهنگ‌های بزهکار یا به عبارت بهتر، گروه‌های حاشیهای در جامعه می‌شود. به همین دلیل است که امروزه مشاهده می‌کنیم زنان و جوانانی که از گروه‌های به حاشیه رانده محسوب می‌شوند دست به انتخاب سبک‌های پوششی و آرایشی برخلاف فرهنگ عمومی می‌زنند. در واقع آنها سعی خواهند به این وسیله در برابر فرهنگ عمومی مقاومت کنند.

نتیجه گیری  
از مقاله فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که مد پدیده‌های مدرن است که صرفاً به جوانان محدود نمی‌شود بلکه همه جوانان امروزی، به‌منظور با آن درگیر هستند البته اگر چه این پدیده در سطح جهان فراگیر است ولی در همه جا شکل و نوع یکسانی ندارد. بسته به میزان دموکراتیک بودن جامعه، شاهد نمودهای مختلفی

از این پدیده هستیم. همان‌طور که زیمل نیز به این مسأله اذعان دارد: «تألمان در قرن چهاردهم و پانزدهم، تکامل فوق‌العاده شدیدی از فریاد و نشان دادن نظم‌های جمع‌گرای قرون وسطی به واسطه آزادی بالای شخصیت‌های فرد به‌سختی در هم شکست اما زنان علی‌الاین تکامل فرد گرا، پدیده جایگامی نیفتند. تألمان از طریق افرامی‌ترین و نامتعارف‌ترین مدهای لباس چیران ممانت کردند برعکس می‌بینیم که در ایتالیا، همان دوره آزادی عمل بیشتری برای تکامل فردیت در اختیار زنان قرار می‌گرفت. آبه همین جهت اکنون از ایتالیا هم هیچ خبری از حرق عرف توسط مدزانه به ما نمی‌رسد».

در ایران نیز مد از بخش‌های کوچک جامعه به بخش عظیمی از اجتماع منتقل شده است. هر چند به قول زیمل، مد می‌تواند نقش سوایاپ لطیف‌ان را بازی کرده<sup>۱۵</sup> و گریز گامی باشد از عقابان گروه‌های حاشیهای اما می‌تواند تصادفی هم باشد. از میزان مقاومت جامعه در برابر فرهنگ عمومی، بنا بر این به نظر می‌رسد که به جای استفاده از تحلیل‌های یکسو نگر روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی رایج از مد، بهتر است برای حل این مشکل اجتماعی به صورت ریشه‌های عمل کرده و سبک‌های گروه‌های حاشیهای جامعه از جمله زنان و جوانانی که به این مقاومت دست می‌زنند راه‌های ابراز وجود و کسب هویت بهتری در جامعه تهیه شود تا معضل مدگرایان افرامی با به قولی «فرمانی مد شکن» به صورت ریشه‌ای تر حل شود.

پس نوشتها

- ۱- امیر سوریسب، جنبش‌های مدی است که در طول سده دوم قرن هجدهم گسترش یافته، از قواعد مدی جدا شده از کارگاه فکلی به برای آزاد نقل مکان کرد و تلاش کرد نوسانات پر و سیاه را همان‌طور که به چشم می‌آید به تصویر کشد. http://www.sasol.soc.surrey.ac.uk/Sergio Benvenuto Fashion Georgetown
- ۲- جورج زیمل، رو و مد ترجمه عباس کاملی و عبدالله سالاروند، ص ۱.
- ۳- مد در جامعه امروزی نوعی سبک مصرف محسوب می‌شود.
- ۴- منظور از سبک است که گرچه باشکوه یا به هر چه می‌گذرد اما طبقه اجتماعی، مهم و نشان‌دهنده‌ای داشته و اساساً در فرهنگ و ملی است.
- ۵- زیمل، مد، ص ۱۷.
- ۶- همان، ص ۱.

منابع

۱- Simmel, G. (1971). Georg Simmel on individuality and social forms, ed. D. Irving (Chicago: University Press).

۲- Frisby, D. (1992). Simmel and since: Essays on Georg Simmel's social theory (London: Routledge).

۳- Wolf, Kurt. (1950). The sociology of Georg Simmel, Glencoe, Illinois: The Free Press.

۴- فریبری، دیوید، مد، ص ۱۰۶، در ک، ۱۳۷۲، جامعه ترجمه احمد ندیم و شهین احمدی، تهران: نشر آران.

۵- کرایسه، یان، ۱۳۸۲، نظریه اجتماعی، کلاسیک ترجمه شهناز، مدی، بوست، تهران: نشر آگاه.

۶- بوخون، رمون، ۱۳۸۷، مطالعه فراتر از جامعه‌شناسان کلاسیک، ترجمه یاقوتی، تهران: نشر مرکز.

۷- ریتر، جورج، ۱۳۸۲، نظریه جامعه‌شناسی، در جوانی معاصر، ترجمه محمد حسن نائی، تهران: انتشارات علمی.

۸- اهلبرگر، یوسف و مرتضویان، علی، ۱۳۸۲، تحلیل‌های پاره‌پاره و زیمل، فصلنامه ژرف، شماره ۵.

۹- زیمل، جورج، ۱۳۸۰، نگاه فرهنگ مدرن، ترجمه هاله لاجوردی، فصلنامه ژرف، شماره ۱۸.

۱۰- زیمل، گئورگ، ژن و مد، ترجمه عباس کاملی و عبدالله سالاروند، مسالمت‌آمیز، جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد مرکز.

# کارآگاهان فرهنگی

## یک ملاحظه در باب مطالعات فرهنگی

### عباسی جهان‌نما

به نظر شما بشر را که هلمز چه از نهایی می‌تواند با مطالعات فرهنگی دانسته؟ سبک‌های را که با کت و واگن و شراوک هلمز بر سر یکا کلاه شاپو داشتند، اظهار نظر می‌کردند و آیا به یاد دارید؟ هلمز صاحب آن کلاه را فردی چاقی، صبی‌خو، دارای بهاری دیابت، با موهای فر فری می‌شناسید. فردی که او شیاع عالی است به هم ریخته، چغه‌شان کوتاه‌کنشی‌گاز ندارد و از قش و صواب بهیمن که کرده و معرفتی که کرد. حال و رفتن هم از اینکه بهیاری آنکه هوش و استعداد بشر را که هلمز از مخاطبان بهیمنتر آجیبایی کند. در کت و واگن همواره در نقش یک فرد تنگ که از اکتیفات هلمز متحیر می‌شود. در همین حال به ابعای نقش می‌پردازد. تا این نوع کشفیات از پیش یکسری کشید و از اینها بهیمن و از این می‌مال همواره به تکرار می‌شد. هلمز چه چیزی داشت که واگن و ویزگران داشتند؟

هلمز ابتدا دقیق مشاهده می‌کرد. به‌شما دعای که با نگاهش زرف و ریزش‌ها همواره همه چیز را می‌پسند از چیزهای بی‌اهمیت گرفت. به نا چیزهای مهم همچنین داشت و در این حالت هلمز یکدیگر از ویژگی‌های او محسوس می‌شد. بهیمن چه چیزی می‌تواند همیشه از مشاهده و قیافت استخراچ می‌شد. بلکه ملاحظه او بر اساس اکتیفات لازم که گهگاه نحوه زیست و سبک‌های مختلف زندگی را نیز شامل می‌شد. از دیگر شاخص‌های هلمز می‌تواند بهیمن می‌شد. از دیگر شاخص‌های هلمز می‌تواند بهیمن می‌شد. از دیگر شاخص‌های هلمز می‌تواند بهیمن می‌شد. از دیگر شاخص‌های هلمز می‌تواند بهیمن می‌شد.

اینجاست که در اینجاست که مطالعات فرهنگی با آنکه به دیگر دینی جز دیدگاه و نگرش‌هایی بر موم به سبک‌ها یا نگاه جدید و همگن‌تر به جزای می‌آید. بر داند. مطالعات فرهنگی خوبش را از بند تعصبات روز به پستی و علیده است و با آنکه به معنای بین‌دینی به سراغ فضایی می‌رود و به دلالت‌های ضمنی می‌پردازد که همواره با تدبیر شده یا ناپدید گرفته است. همانند این مهم بر همین شراوک هلمز تا از روش‌های مرسوم پلیسی بلکه از خلاقیت‌ها و استفاده از متون و دانش‌های مختلف به دست آورده است. بیشتر پژوهش‌های مطالعات فرهنگی، جمله و امر فرهنگی است اما پستر فعالیت شراوک که هلمز را در جوانی نشکلی می‌داد. این بدان معنا نیست که در عرصه فرهنگی جنبه‌های روح می‌دهد از نوع پلیسی مرسوم آن بلکه همان گونه که زیمل دوز می‌گوید می‌تواند بهیمن جامعه را از جامعه تضادها به سوی جامعه کنترلی داند. سبک‌ها در پدیده‌های فرهنگی ساخته شده به صورت جلی طبیعی جلوه می‌کنند. طبیعت‌زایی از امور فرهنگی که در کنش غالب شکل یافته و نشان‌دهنده بر ساختگی آنها می‌تواند چارهای از فعالیت کلان‌گهان فرهنگی باشد.

